

امام ابو حنیفہ رحمۃ اللہ علیہ

و جایگاہ علمی ایشان

باسمی علمی تحقیقی به کتاب نتائج التقليد

تألیف :

شیخ الحدیث مولانا عرفراز خان صفدر رحمۃ اللہ علیہ

ترجمہ :

عبدالحفیظ زاہدی (ملازہی)



صفر، محمدرضا خان	سرشناسه
Muhammad Sarfaraz Khan, Safdar	
مقام ابی حنیفه، فارسی	عنوان قراردادی
امام ابوحنیفه رحمه الله علیه و جایگاه علمی ایشان... / تالیف سرفراز خان	عنوان و نام پدیدآور
صفر؛ ترجمه عبدالحفیظ زاهدی (ملازهی).	
سراوان: نشر سروچ، ۱۳۹۴.	مشخصات نشر
۴۲۴ ص.	مشخصات ظاهری
978-600-8206-01-9	شابک
قیفا	شیعیت، فهرست نویسی
کتابنامه به صورت زیر نویس.	یادداشت
ابوحنیفه، نعمان بن ثابت، ۸۰ - ۱۵۰ ق. -- نقد و تفسیر	موضوع
فقیهان حنفی -- سرگشتنامه	موضوع
زاهدی، عبدالحفیظ، ۱۳۴۰ - مترجم	شناسه افزوده
۵/۱۴۹BP الف/۱۳۹۴۲ ۴۱۰۶۵۰۴۱ ص	رده بندی کنگره
۹۹۴۲/۲۹۱	رده بندی دیویی
۴۰۰۰۲۱۷	شماره کتابشناسی ملی

امام ابوحنیفه رحمه الله علیه و جایگاه علمی ایشان

تألیف : شیخ الحدیث مولانا سرفراز خان صفر رحمه الله علیه

ترجمه : عبدالحفیظ زاهدی (ملازهی)

ناشر : انتشارات سروچ

تیراژ : ۱۰۰۰

قطع : وزیری

قیمت : ۱۲۰۰۰ تومان

شابک : 978-600-8206-01-9

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۵

مرکز پخش :

زاهدان - خیابان خیام - بین خیام ۳ و ۵ - کتابسرای سادات

همراه: ۰۹۳۶۱۴۱۲۶۷۰

تلفن: ۰۵۴۳۳۴۲۶۶۴۷

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۹	تقاریر و تصدیقات
۵۳	پیشگفتار مت. م.
۶۰	تقلید و اتباع
۶۴	اقسام تقلید
۶۴	قرآن کریم و تقلید
۶۸	تقلید و حدیث
۶۹	تقلید در عصر صحابه
۷۲	تقلید مطلق یا اتباع نفس
۷۹	سخنهای گفتنی
۸۵	بخش اول، فقه در دین
۸۷	جایگاه فقه در قرآن
۸۹	جایگاه فقه در حدیث
۹۷	بخش دوم: فقه و درایت
۱۱۰	از فقه چاره ای نیست
۱۱۳	بخش سوم : فقههای صحابه
۱۱۶	ورود اصحاب کرام به کوفه

۱۲۳.....	اهل کوفه و علم حدیث
۱۳۷.....	بخش چهارم: جایگاه امام ابوحنیفه در علم و کلام
۱۵۴.....	بشارت
۱۶۰.....	تعهد و دیانت امام
۱۶۳.....	امانت داری امام
۱۶۴.....	استقامت امام
۱۷۶.....	مقبولیت نه - معنی
۱۸۰.....	اعضای مجمع دینی
۱۸۴.....	نقش امام در تدوین کتب
۱۸۹.....	بخش پنجم: امام ابوحنیفه و علم حدیث
۲۰۱.....	امام از ائمه و حفاظ حدیث بود
۲۰۳.....	فرقه مرجئه
۲۱۳.....	ثقافت امام
۲۱۹.....	احتیاط در حدیث
۲۲۵.....	احترام به حدیث و ابراز محبت با محدثین
۲۲۷.....	قلت حدیث
۲۳۷.....	اتهام آسیب رساندن به اسلام
۲۳۸.....	پاسخ به این اتهام
۲۴۰.....	داستان عبرت انگیز از یک شاهد عینی
۲۴۱.....	دستور دوری جستن از ابوحنیفه

- پاسخ..... ۲۴۲
- خواب از دیدگاه شریعت..... ۲۴۴
- رؤیاهای صالحه در تأیید ابوحنیفه..... ۲۴۶
- امام از اهل رأی است..... ۲۵۲
- آیا حدیث بدون رأی فهمیده می شود؟..... ۲۶۹
- اهمیت رأی از دیدگاه حدیث..... ۲۷۳
- امام چه زمانی از رأی استفاده می کرد؟..... ۲۸۴
- خبر واحد بر قیاس مقدم است..... ۲۹۸
- حدیث ضعیف نیز بر قیاس مقام است..... ۳۰۱
- بخش ششم: رأی مذموم..... ۳۰۷
- اتهام مخالفت حدیث..... ۳۲۷
- اشعار بُدن..... ۳۳۹
- بخش هفتم: بحثی پیرامون مخالفت حدیث..... ۳۴۷
- بخش هشتم..... ۳۷۹
- یک بحث ظریف..... ۳۷۹
- تصحیح و تضعیف از امور اجتهادی است..... ۳۸۹
- نویسنده حقیقت الفقه و تعصب بیجا..... ۴۰۳
- جواب دندان شکن..... ۴۰۴
- آیا در میان احناف کسی ولی بوده؟..... ۴۰۵
- یک اعتراض دیگر..... ۴۰۹

آیا اصحاب ابوحنیفه به نصارای می مانند؟..... ۴۱۱

پاسخ..... ۴۱۲

www.ketab.ir

مقدمه:

استاذالعلماء عالم ربانی حضرت مولانا نجم الدین محمد درکانی

« اطلال الله بقائه »

الحمد لله رب العالمین و اُصلی و اُسلم علی سیدنا حبیب رب العالمین محمد و علی
آله و صحبه و سائر الانبیاء و المرسلین .

اما بعد :

امام ابوحنیفه رحمته الله در سال ۸۰ هـ در شهر کوفه که در آن زمان یکی از مراکز
بزرگ علم حدیث و محل زندگی هزاران صحابه کرام و تابعین عظام بود چشم به
جهان گشود، امام رحمه الله از همان اوایل زندگی تلمذ شروع کرد به فراگیری علوم
مختلف به خصوص علم حدیث از علماء و محدثین آن شهر اعم از صحابه و تابعین،
ایشان با توجه به هوش و ذکاوت سرشاری که داشت و با توجه به علاقه شدیدی
که به علم و دانش داشت اندوخته بسیار عظیمی از احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله را در
سینه خود جای داد، ولی از آنجا که در کتب صحاح سته حدیثی از طریق ایشان
روایت نشده است برخی از افراد تنگ نظر یا از روی نادانی و یا از روی تعصب
گمان برده اند که امام رحمته الله در روایت حدیث از ثقافت کافی برخوردار نبوده است،
به همین دلیل مؤلفین صحاح سته از آوردن احادیثی که از طریق او روایت شده اند
خود داری نموده اند.

ولی باور کنید که این گمان قطعاً باطل و از سر جهالت و یا افتراء محض بوده و فرسنگها از واقعیت به دور است. حقیقت این است که نه تنها از ابوحنیفه رحمه الله که از امام شافعی رحمه الله نیز حتی یک حدیث هم در این کتابها روایت نشده است، از امام ابوحنیفه و شافعی که بگذریم از امام احمد رحمه الله که استاد خاص امام بخاری رحمه الله است تنها سه یا چهار حدیث در صحیح بخاری روایت شده است، روایات امام مالک را نیز اگر بگذاریم از انگشتان یک دست تجاوز نخواهند کرد.

عدم وجود روایات این بزرگواران در کتب صحاح سته به این دلیل نیست که آنها - معاذ الله - در علم حدیث ضعیف بوده و یا بضاعتی در حدیث نداشته اند. حقیقت این است که اولاً این بزرگواران ضمن اینکه از مهارت کافی در علوم حدیث برخوردار بودند در درجهٔ علما، مهابت قرار داشتند، آنها ترجیح می دادند که به جای روایت الفاظ حدیث به استنباط از استخراج احکام و مسایلی که در معانی احادیث نهفته است پردازند عیناً همانگونه که حضرت صدیق رضی الله عنه با اینکه در طول بیست و سه سال تمام در کنار رسول گرامی صلی الله علیه و آله قرار داشت ولی احادیث بسیار اندکی از آن حضرت روایت نموده است.

ثانیاً این بزرگواران ائمهٔ مجتهدین بودند که شاگردان و پیروان بیشماری داشتند، مؤلفین صحاح سته به خوبی می دانستند که علوم و احادیث مرویهٔ ایشان توسط شاگردان و پیروان شان مدون و محفوظ می مانند و - ان شاء الله - از بین نخواهند رفت، آنها می خواستند احادیث آن دسته از محدثین را گردآوری و محفوظ نمایند که به احتمال زیاد خوف ضایع شدن آنها می رفت.

جلالت شأن امام الائمهٔ امام ابوحنیفه رحمه الله در علم حدیث یک امر مسلم و غیر قابل انکار می باشد؛ زیرا ایشان به اتفاق علماء یکی از بزرگترین مجتهدان عصر خود

بودند، می دانیم که مهم ترین شرط اجتهاد، بصیرت و مهارت کامل در علوم حدیث - روایتاً و درایتاً - می باشد اگر چنانچه ایشان در علم حدیث کم بضاعت و در روایت حدیث ضعیف بودند چگونه سایر علماء و محدثین عظام ایشان را به عنوان مجتهد مطلق می پذیرفتند؟ چنانکه اعتراف محدثین و فقهاء به مجتهد بودن امام رحمه الله را در همین کتاب به تفصیل ملاحظه می فرمایید - إن شاء الله -

امام ارحمته در میان دیگر مجتهدین کرام از ویژگی هایی برخوردار بوده است که ائمه کرام با وجود جلالت شأن و منزلت والایی که داشته اند این ویژگی ها را نداشته اند، نویسنده مضمون ما تمامی این ویژگی ها را در این کتاب به تفصیل بیان فرموده است - جزاء الله عنا وعن المرسلین -

مثلاً تابعیت امام رحمه الله یک اقعیت مسلم و پذیرفته شده است که به جز افراد کوردل و متعصب کسی نمی تواند آن را انکار نماید؛ زیرا ایشان به سال هشتاد هجری در شهر کوفه پا به عرصه حیات نهادند، سلسله بسیاری از صحابه رضی الله عنهم در این زمان در کوفه و در مکه و مدینه در دقید حیات بودند حتی برخی از اصحاب کرام تا آخر قرن اول یعنی سنه ۱۰۰هـ با زندگی پر خیر و برکت شان گستره گیتی را منور ساخته بودند، امکان ندارد شخصی مانند ابوحنیفه به ملاقات و استفاده علمی از آنها مشرف نگردد و چشمان خود را از زیارت آنها روشن ننماید. در حالی که بسیاری از مردم عادی رنج مسافتها را به جان خریده و از شهر های دور و نزدیک پروانه وار برای ملاقات آنها و مشرف شدن به زیارت شان سرازیر بودند.

اکثریت قریب به اتفاق کار شناسان تاریخ و علم رجال به تابعی بودن حضرت امام رحمه الله با صداقت و سعه صدر اعتراف نموده اند، چنانچه علامه سیوطی رحمه الله در کتاب خود «تبیض الصحیفه» بسیاری از اصحاب کرام را که امام ابوحنیفه آنها را ملاقت

نموده نام برده است از جمله حضرات عبدالله بن ابی اوفی، انس بن مالک، عبدالله بن أنیس، واثله بن اسقع، و عائشه بنت عجرد رضوان الله تعالی علیهم اجمعین.

ویژگی مهم دیگری که این امام بزرگوار در میان ائمه متبوعین داشته است مجمع استشاری و شورای خاص به منظور تدوین قوانین اسلامی، احکام و مسایل فقهی شریعت مطهره بود. حضرت امام رحمه الله با این اقدام خود شکاف عظیمی را که با قطع شدن مجمع استشاری پس از پایان خلافت راشدین در نظام قانونی اسلام ایجاد شده بود پر کرد.

می دانیم در اواخر قرن اول هجری دولت اسلامی حدود خود را از اسپانیا (اندلس) تا سند گسترانیده بود و مردمان گوناگونی را که دارای فرهنگ ها، عادات شعایر و آداب مخصوص به خود بودند در بر می گرفت، علاوه بر این، در داخل نیز مسایلی وجود داشت که به اقتصاد، تجارت، کشاورزی، صنعت و روابط زناشویی و جز اینها مربوط می شد، دعاوی کشوری با جزایی پدیدار می شد که باید در باره آنها فتوی داده می شد و مسایل همواره جدید شرعی، اجرایی به ظهور می رسید که باید حل می گردید، در زمینه مسایل خارجی، مناسبات این دولت بزرگ با دولت های دیگر دنیا و اموری چون جنگ، صلح، روابط سیاسی، تجارت خارجی، مکاتبات و روابط گمرکی و غیره مقتضی توجه دقیق بودند...

ولی به سبب عدم ادامه تشکیل شوری، سازمان یا نهاد متشکلی وجود نداشت که در آنجا استادان معتمد، فقیهان و قانون گذاران جامعه با هم ملاقات و مشورت نمایند و برای هر قضیه مهم قانونی چنان راه حلی بنیادین بیابند که به عنوان قانون واحد معتبر در سرتاسر قلمرو دولت اسلامی شناخته شود...

این کمبود در همه جهات و برای همه، از خلیفه گرفته تا حکمرانان و قاضیان محسوس بود، زیرا برای هر فقیه، قاضی و رئیس ناحیه آسان نبود در مسایل بشماره‌ای که هر روز اینجا و آنجا پیش می‌آمد به نیروی دانش یا برداشت شخصی خود فتوی دهد، فتاوی فردی همواره با یکدیگر تعارض داشتند و مایه اشتباه و پریشانی می شدند.

در چنین شرایط و احوالی به نظر امام ابوحنیفه رسید که راه کاملاً جدیدی نشان دهد تا آن کمبود برطرف شود، این راه حل تأیس نهاد قانونی خاصی به ابتکار شخص خود او بود که موازنه منصوص و معمول بها را انتخاب نموده و موارد غیر منصوص را در روشنی و در چارچوب موارد منصوص در مجمع استشاری به رأی گذاشته و پس از شور و تبادل نظر آنها را تهیه، تنظیم و سپس تدوین نمایند، تنها شخص عاقبت اندیشی چون او می‌توانست به چنین طرحی بیندیشد، او شخصی بسیار هوشمند و با بصیرت بود و با دقت کامل سنجید و دریافت که اگر بخواهد می‌تواند این شکاف عمیق را با اجتهاد خود دیگر و اعضای مجامعی فقهی پر کند و مطمئناً این کار به نحو کاملاً رضایت بخشی انجام خواهد گرفت.

شاگردان امام رحمته الله علیه که تحت توجه و ارشاد او در دانشکده حقوق (مدرسه فقهی) او تربیت شده بودند و در باب مسایل فقهاتی سالها تأمل و با روح فنی علمی تعمق کرده و با استدلال به نتایج درخشان رسیده بودند اعضای این مجمع را تشکیل می دادند...

نویسنده محترم رحمته الله علیه در این کتاب توضیحاتی بسیار مفصل و ارزشمند از چگونگی تشکیل این مجمع فقهی و قابلیت علمی اعضای آن در علوم و فنون مختلف را تقدیم خوانندگان محترم نموده است.

از آنجا که اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان شبه قاره هند حنفی مذهب هستند و نویسنده کتاب «نتائج التقليد» نیز از فرقه غیر مقلدین شاخه همین سامان می باشد از میان ائمه متبوعین که دارای پروان و مقلدانی بوده اند تنها امام ابوحنیفه رحمه الله را موضوع کتاب خود قرار داده و تمامی تیرها را بر این امام بزرگوار خالی کرده است و در ضمن، بر پیروان این مذهب نیز به شدت تاخته است، حضرت مولانا سرفراز خان صفار رحمه الله ضمن پاسخ به این کتاب، مناقب و فضایل و همچنین جایگاه رفیع امام ابوحنیفه در علوم حدیث و فقه را با اسلوبی بسیار شیوا، متقدانه و با استناد از منابع معتبر تاریخ و نام رجال و حتی از منابع غیر مقلدین تشریح نموده است جزاه الله عنا و عن سایر المسلمين

اینک با توجه به اینکه بدیهه ترک تقلید و یا به تعبیر روشن تر مخالفت با تقلید و یاوه گویی و هرزه سرایی در شان رالای امام ابوحنیفه در این دیار نیز در حال گسترش است نیاز مبرم به ترجمه این کتاب ارزشمند به زبان فارسی در این دیار و بالاخص جامعه احناف - کثر الله جمیعهم - به شدت محسوس می شد که به حمد الله این کار نیز توسط یکی از همکاران پر تلاش ما انجام گرفت - تقبل الله منه و احسن جزائه -

از خداوند عز و جل مسئلت داریم که این خدمت عظیم را از مؤلف محترم (رحمه الله) و از مترجم عزیز (عافاه الله) بپذیرد و آن را سبب بصیرت جویندگان و پویندگان حق و حقیقت بگرداند - آمین -

(حضرت مولانا) نجم الدین محمد درکانی

۲۰ رمضان ۱۴۳۶ هـ زاهدان - روستای شورشادی